



International Conference of Iranian Society for
8TH Promotion of Persian Language & Literature
4-6-Sept 2013 Zanjan . Iran

کتابی چاپ مقاله

زنجان - دانشگاه زنجان
۱۳ - ۱۵ شهریور ماه ۹۲
فاز سربازان
پشتان انجمن ترویج و آراسته سازی
هشتمین جشن کتابخانه های

کتابی می شود مقاله آقای خانم علی نوروزی هاجر بولاجنک با عنوان بررسی تطبیقی مویه امام حسین (ع) در دیوان

زلالی خوانساری و ابن معنوق موسوی بر اساس مکتب کلاسیسیم مورد تأیید هیات داوران هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج

زبان و ادب فارسی قرار گرفته و در مجموعه مقالات همایش منتشر شده است.

دکتر اکرم نوزنی خراوه
زنجان
دبیر علمی همایش





8th International Conference
Of Iranian Society for
Promotion of Persian
Language & Literature
4-6 Sept 2013
Zanjan - Iran

فارس‌پژوهان
انجمن ترویج و ادبیات فارسی
هشتمین همایش

زنجان - دانشگاه زنجان
۱۳ - ۱۵ شهریور ماه ۹۲

آقای / خانم علی نوروزی هاجر بولادچنگ

باسلام و احترام؛

با کمال خوشوقتی به اطلاع می‌رساند مقاله گرانگش شهاب‌اعظم بوردی تطبیقی مؤثقه امام
حسین (ع) در دیوان زلالی خوانساری و ابن معنوق موسوی بر اساس مکتب
کلاسیسیم در کتبه علمی هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران پذیرفته
شده است. بر این اساس از جنابعالی دعوت می‌شود با حضور خود برونی و سگوه این همایش بنیادید.

با احترام مجدد
دکتر آسیر مؤمن خراوه
مدیر علمی



زنجان - بلوار دانشگاه - دانشگاه زنجان
دانشکده علوم انسانی - دبیرخانه همایش
تلفن: ۰۲۴۱-۱۵۴۱۰۲
فکس: ۰۲۴۱-۲۴۸۲۲۰۱

وب سایت: <http://www.tarvij8.ir>
<http://www.ispl.ir>
پست الکترونیک: tarvij8@gmail.com



8TH

**International Conference of Iranian Society for
Promotion of Persian Language & Literature
4 -6 Sept 2013 Zanjan . Iran**



بررسی تطبیقی مرثیه امام حسین(ع) در دیوان «زلالی خوانساری و ابن معتوق

موسوی»

بر اساس مکتب کلاسیسیسم

دکتر علی نوروزی^۱

هاجر پولادچنگ^۲

چکیده

مرثیه به طور عام؛ شعر یا سخنی است که در ذکر محاسن و فضایل شخص در گذشته خوانده شود و به طور خاص؛ گونه‌ای گسترده در ادبیات فارسی، عربی و اردو برای بیان مناقب، فضایل و سوگواری امامان شیعیان به ویژه حضرت امام حسین(ع) است. مقاله حاضر پژوهشی است تطبیقی که با تکیه بر مکتب کلاسیسیسم؛ به منظور دست‌یابی به اصول و قواعد این مکتب در تنها مرثیه دیوان زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی، انجام شده است. این پژوهش، پس از بیان توضیحاتی مختصر پیرامون مکتب کلاسیسیسم، با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، ضمن یافتن ویژگی‌های مکتب کلاسیسیسم حاکم بر این اشعار، به تحلیل محتوای آنها نیز اقدام کرده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که در سروده زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی، اصول و ویژگی‌های مهم مکتب مورد بحث همچون قانون سه‌گانه وحدت، تقلید از قدما، برگزیدن شخصیت‌های والامقام و بیان مسائل اخلاقی و مذهبی نمایان است.

کلید واژه‌ها: مکتب کلاسیسیسم، امام حسین(ع)، مرثیه، زلالی خوانساری، ابن معتوق موسوی

۱. مقدمه

ای سرو دین بهشت برین کربلای توست تقدیر ایزدی خجل از خونبهای توست
«زلالی خوانساری»

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که در کمتر حادثه‌ای، شاعران بسان حادثه عاشورا به میدان آمده و با سوز و گداز درونی و نیز حماسه و خروش بیرونی از آن واقعه سخن گفته باشند. شدت فاجعه و دردناکی تراژدی کربلا، اشک و احساس شاعران را بی‌اختیار به جوشش واداشت و آن را در شعر و ادب نیز سرازیر کرد، از این روست که رثا یکی از برجسته‌ترین اغراض شعر حسینی در همه دوره‌ها به شمار آمده است.

^۱ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد گروه زبان و ادبیات عربی norozi1387@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد hajar.pooladchangh@gmail.com

از دیرباز شاعرانی که گرایش شیعی علوی داشتند، عشق و علاقه خود را در قالب شعر مذهبی تقدیم به ساحت آن بزرگوار کرده‌اند. از جمله این شاعران می‌توان زلالی خوانساری (متعلق به قرن یازدهم و مقارن با عهد صفویه) در ادب فارسی و ابن معتوق موسوی، شاعر توانای همان عصر (مقارن با عهد عثمانی) در ادب عربی را نام برد که در وصف و مدح ائمه هدی (ع) دستی به قلم برده‌اند.

هدف از نگارش این مختصر، یافتن رگه‌های کلاسی‌سیسمی موجود در ترکیب‌بند ۵۵ بیتی زلالی خوانساری و قصیده ۶۵ بیتی ابن معتوق موسوی بوده که از مقایسه آن‌ها با هم به یک نتیجه‌گیری کلی رسیده است. شایان ذکر است که در این جستار، از مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی در مقایسه اشعار زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی بهره می‌گیریم، چراکه این مکتب در یافتن مدارک تاریخی و شواهد اثبات‌گرایانه اصرار نمی‌ورزد و در آن قبول می‌شود که وجود برخی شباهت‌ها بین آثار ادبی، ناشی از روح مشترک همه انسان‌هاست. لذا هرچند که این دوشاعر هم‌زمان با هم می‌زیسته‌اند و ممکن است با سروده‌های یکدیگر نیز آشنا بوده باشند، اما در این پژوهش به دنبال اثبات تأثیر و تأثر دوشاعر از یکدیگر نیستیم و می‌پذیریم وجود برخی شباهت‌ها بین آثار این دوشاعر، ناشی از وجود روح مشترک فکری بین آن‌هاست.

۱-۱. پیشینه تحقیق:

درباره گرایش به کلاسی‌سیسم در شعر زلالی خوانساری و ابن معتوق موسوی، تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته، اما می‌توان به پژوهش‌های مشابه آن، به ویژه پژوهش‌هایی که به طور جداگانه در خصوص کلید واژگان این مختصر انجام شده است اشاره نمود:

«مکتب کلاسیسیسم و نئوکلاسیسیسم» عنوان مقاله‌ای است از منصور ثروت. وی در این پژوهش ضمن ارائه تعریف لغوی و اصطلاحی از واژه کلاسیسیسم؛ تاریخچه، اصول و ویژگی‌های آن و ادوار مختلف سلطه این مکتب را ذکر کرده و در ادامه نیز به بررسی علل گرایش مجدد غرب به این مکتب، پرداخته است.

«بررسی تطبیقی رمانتیسم در اشعار نادر نادرپور و ابوالقاسم شابی» اثر عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی و فریبا مدبری؛ دیگر پژوهش انجام شده در زمینه مکتب‌های ادبی است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و سندکاوی، ضمن نگاهی کوتاه به مکتب رمانتیسم در ادب عربی و فارسی، سعی شده تا اشعار رمانتیک این دو شاعر معاصر عرب و ایرانی، که هریک به نوعی نماینده مکتب رمانتیسم در دوره خود بوده‌اند، بررسی شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از جمله مشخصات مهم رمانتیسم که در اشعار هر دوشاعر مشاهده می‌شود عبارتند از: مرگ، عشق، خاطرات، سفر، طبیعت، اندوه، یأس و جرمان.

فاطمه معین‌الدینی در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های رمانتیسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی» به روش تحلیل محتوا به بررسی جلوه‌های این مکتب ادبی در شعر سید حسن حسینی پرداخته است. وی در این پژوهش نشان داد این شاعر توانای ادب معاصر در زمینه ادبیات پایداری، به صورت ناخودآگاه از اصول مکتب رمانتیک برای تأثیر گذاری بر مخاطبان و انتقال صریح و مؤثر اندیشه‌های خود بهره‌افری برده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین اندیشه‌های رمانتیکی موجود در شعر حسینی عبارتند از: وطن دوستی، طبیعت‌گرایی، غم و تنهایی، آرمان‌گرایی، یادکرد مرگ، حدیث‌نفس و بازگشت به خود و سرانجام عشق.

احمد امیری خراسانی در مقاله خود با عنوان «حکیم زلالی خوانساری»، ابتدا به معرفی شخصیت و آثار حکیم زلالی اقدام نموده و سپس به بررسی خصوصیات شعری وی اهتمام ورزیده است. از نتایج حاصل از این پژوهش چنین

برمی آید که زلالی، شاعری نوآور و شعرش سرشار از کلمات نادر و ترکیبات تازه و در بیان سخن، عفت کلام را رعایت نموده است. روح دیانت در اشعار او موج می زند چنانکه دل بستگی و احترام وی نسبت به پیشوایان دین، در اشعارش به خوبی نمایان است. زلالی همچنین توجه ویژه ای به شعر بزرگان سخن فارسی داشته و به راحتی می توان در اشعارش تأثیرپذیری او از نظامی گنجوی و مولوی را مشاهده نمود.

ابوالحسن امین مقدسی در اثر پژوهشی خود با عنوان « مدح اهل بیت از منظر ابن معنوق » چنین نتیجه می گیرد که ابن معنوق همچون بعضی از شعرا در استفاده از آیات قرآن افراط نموده، چنانکه این وجه موجب کاهش قوه خیال شاعر شده است. همچنین اکثر آیات اقتباس شده در شعر ابن معنوق مبتنی بر این است که اهل بیت (ع) محور هستی هستند و نجات پیامبران و توفیق آنان به خاطر این خاندان بوده است. امین مقدسی، این تأویل را ناشی از احادیثی می داند که مفهوم « لَوْ لَاكَ خَلَقْتُ إِلَّا أَفْلَاكَ » را در خود دارند.

یوسف لطف در مقاله ای با عنوان « بررسی مقایسه ای مرثیه امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی » به بررسی وجوه شباهت ها و تفاوت ها از نظر مضامین و قالب های مرثیه محتشم و شریف رضی پرداخته است و چنین نتیجه می گیرد:

۱. محتشم به مضامینی مانند محرم، قیامت، شفاعت و سوگواری توجه کرده و سید رضی نیز علاوه بر این مضامین؛ به عاشورا، ظهور منتقم (حضرت مهدی (عج))، و غریبی و مظلومیت هم توجه داشته است.
 ۲. این شاعران احساسات و افکار خود را در قالب های ترکیب بند، مثنوی و قصیده بیان کرده اند.
- فاطمه حبیبی در پایان نامه خود با عنوان « مضامین شعری ابن معنوق »، در سه فصل به ترتیب، به بررسی اوضاع ادبی عصر عثمانی و زندگی فردی و ادبی شاعر، فن مدح به طور کلی و مدح در شعر ابن معنوق اعم از مدح نبوی، مدح اهل بیت و مدایح خانی و سرانجام در فصل سوم که مهم ترین قسمت پایان نامه را تشکیل می دهد؛ به نقد و بررسی شعر ابن معنوق از نظر عنصرخیال، عاطفه، لفظ و معنا و زیبایی های بیانی و بدیعی با ارائه مقدمه ای کوتاه و نمونه اشعار پرداخته است.

۲-۱. روش تحقیق:

نگارنده در این نوشتار با استفاده از روش تحلیل محتوا که با رویکردی تطبیقی همراه می گردد، ابتدا شعر رثا را در دیوان هریک از شاعران مورد نظر انتخاب و سپس با تکیه بر مکتب کلاسیسیسم به تحلیل آن سروده ها می پردازد و در فرجام کار نتایج حاصل از این بررسی و تحلیل را ارائه می دارد.

۱. مکتب کلاسیسیسم

«انسان سنتی، تلقی خاصی از جهان و زندگی دارد. در نگاه او گذشته، سرشار از تجربه های ناب و آموزنده است و طبیعت، از قوانین ثابت و تغییرناپذیری پیروی می کند. فرد باید خود را با اصول و قوانین طبیعت هماهنگ سازد و ارزش های ثابت جهان را حفظ کند تا به سعادت و آرامش برسد. این دیدگاه محافظه کار می کوشد تا جهان و قوانین آن را به شیوه ای روشن و شفاف، نظام مند سازد و آن نظام های ثابت و عقل پسند را از نسلی به نسلی دیگر انتقال دهد. چنین دیدگاهی را در تاریخ ادبیات جهان با نام «کلاسیسیسم» می شناسند که در تقابل با رمانتیسم و دیگر مکتب های ادبی بهتر شناخته می شود» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۳).

۲-۱) تعریف:

«واژه کلاسیس در لاتین به معنای طبقه، گروه و زیرمجموعه است» (سکرتان، بی تا /۱۳۸۰: ۱۳) «واژه کلاسیک نیز معنای هر چیز فاخر، ممتاز، درجه یک، سطح بالا و بارز را دارد. بیهوده نیست که امروز نه تنها در ادبیات می توان این معانی را از واژه کلاسیک دریافت کرد؛ بلکه در کنار اشیایی همچون: اتومبیل، غذا، پوشاک، مسکن، هتل و حتی آداب زندگی هم به همان معناها به کار می رود» (ثروت، ۱۳۸۳: ۳). «واژه کلاسیسیزم در اصطلاح، مفهوم متضاد رمانتیسم است که وقتی از آن صحبت می شود منظور همان مکاتب، قواعد، روش ها، زمینه ها، قراردادهای و حس هایی است که توسط نویسندگان کلاسیک پدید آمده و در نویسندگان بعد نیز تأثیر گذار بوده است» (Cuddon، ذیل Classic)

«آثار ادبی کلاسیک نیز به آن دسته از آثار اطلاق می شود که نوع اعلاى جنس خود است. بدین وسیله تبدیل می شود به عنصری معیار، که مورد تقلید یا مثال قرار می گیرد» (ثروت، ۱۳۸۳: ۳).

دانشگاه زنجان

۲-۲) مروری کوتاه بر تاریخچه کلاسیسیسم: ۱۵ شهریور ۹۲

«این مکتب پیش از سایر مکاتب ادبی در اروپا به وجود آمد و اگر آغاز ادب یونان را قرن پنجم ق.م. و قرن هجدهم را پایان کلاسیسیسم بدانیم، می توان گفت که این مکتب بیست و سه قرن بر فضای ادبیات جهان سلطه داشته است و این طولانی ترین عمری است که یک مکتب می توانسته دوام بیاورد و شاید تا ابد چنین دوران طولانی تسلطی را نتوانیم در هیچ مکتب دیگری ملاحظه کنیم» (همان).

«کلاسیسیسم یا مکتب کلاسیک در ادبیات، سبکی است که به پیروی از اسلوب نویسندگان و شاعران یونان و روم باستان به وجود آمده است. این نهضت ادبی و هنری که از دوران رنسانس آغاز شده بود، در شاعران و نویسندگان و سایر هنرمندان، این اندیشه را القا کرده بود که برای اصلاح و احیای ادبیات اروپا باید آثار فلاسفه و ادبای یونان و روم قدیم را سرمشق قرار داد و به همین سبب شاعران و نویسندگانی که سبک رسالات و کتاب های افلاطون، ارسطو و سیسرون را الگوی کار خود قرار دادند، شاعران و نویسندگان کلاسیک نامیده شدند» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۶).

۲-۳) ویژگی های مکتب کلاسیک:

از جمله اصول و مبانی ای که برای مکتب کلاسیسیسم در کتب مختلف برشمرده اند، بدین قرار است:

۱. تقلید از طبیعت
۲. تقلید از قدما
۳. انسان شریف = برگزیدن شخصیت های والامقام
۴. آموزنده و خوشایند بودن
۵. بیانی واضح و روشن = فصاحت و بلاغت
۶. آرمانگرایی
۷. خردگرایی
۸. بیان مسائل اخلاقی و مذهبی
۹. درجست و جوی اعتدال و کمال

۱۰. حقیقت‌نمایی

۱۱. قانون سه گانه وحدت (سید حسینی، ۱۳۷۱: ۱۰۹-۹۷).

۱۲. منطق و استدلال

۱۳. درخشش سخن

۱۴. ایجاز

۱۵. برازندگی = نزاکت ادبی و تناسب و هماهنگی» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۴۹ و ۹).

۳. بحث و تحلیل

بن‌مایه اصلی این مقاله «کشف و معرفی ویژگی‌های کلاسیسیسمی موجود در تنها مرثیه «زلالی خوانساری» _ که در مقام شامخ حضرت اباعبدالله... (ع) سروده است؛ و نیز در سوگ سروده شاعر عرب - «ابن معنوق موسوی» - است، برای این کار تنها دیوان این هر دو شاعر مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته‌اند. لازم می‌دانم پیش از شروع مبحث اصلی مختصری پیرامون هریک از دو شاعر، جهت مزید اطلاع بیان گردد: ۱۵ شهریور ۹۲

۳-۱) زلالی خوانساری

«حکیم زلالی از شعرای بزرگ قرن یازدهم است که در عصر خود در سراسر ایران و هندوستان شهرت تمام داشته. امین‌احمد رازی در هفت‌اقلیم در مورد وی چنین نوشته: «زلالی شاعری است که آب سخنش خاک کدورت خاطرها را فرونشانیده و آتش فکرش باد را در تکاپوی غیرت افکنده». از مندرجات مثنوی های وی؛ مقام علمی و اطلاعات حکمی او به دست می‌آید و بیخود نیست که در تذکره نصرآبادی و دیگر تذکره ها، او را به نام حکیم زلالی خوانساری معرفی کرده‌اند. همچنین درباره وی گفته‌اند که خوی درویشی داشت و اعتقاد بسیاری به پیشوایان شیعه می‌ورزید چنانکه در ستایش هر یک از چهارده معصوم قصاید غزایی سروده است» (بخشی، ۱۳۳۶: ۶۷-۶۵).

«آثار ارزشمند زلالی عبارتند از: یکی دیوان اشعار او که شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و غیره می‌شود و دیگر مجموعه هفت مثنوی او که به نام‌های هفت‌گنج، سبعة‌سیاره، سبعة‌زلالی، هفت‌آشوب و هفت‌سیاره شهرت یافته‌اند. شرح سبعة زلالی:

۱. حُسن گلوسوز: منظومه‌ای عرفانی در برابر مخزن‌الاسرار نظامی

۲. شعله‌دیدار: منظومه‌ای عرفانی، بر وزن مثنوی ملای روم

۳. میخانه: منظومه‌ای عرفانی، بر وزن حدیقه‌الحقیقه سنایی

۴. ذره و خورشید: داستانی تمثیلی، بر وزن سبحة‌الابرار جامی

۵. آذر و سمندر یا گل و بلبل: منظومه‌ای عاشقانه، بر وزن لیلی و مجنون نظامی

۶. سلیمان‌نامه یا سلیمان و بلقیس: منظومه‌ای عاشقانه، بر وزن شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی

۷. محمود و ایاز: منظومه‌ای عاشقانه، در جواب خسرو و شیرین نظامی» (صفا، ۱۳۷۲: ۹۷۰-۹۶۸).

«وی به جز آثار انبوه شعری‌اش، بخش قابل ملاحظه‌ای آثار منثور نیز دارد که همان دیباچه‌های سبعة سیاره اوست» (زلالی، ۱۳۸۴: نود و نه).

۳-۲) ابن معتوق موسوی

سید شهاب‌الدین موسوی معروف به ابن معتوق (متولد ۱۰۲۵ و متوفی ۱۰۸۷) ف شاعر قرن یازدهم) ادیب و شاعر خوزستانی که در شهر بصره متولد شدو در همان شهر به تحصیل علوم پرداخت، طبق شجره نامه‌ای که مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر در خصوص ایشان آورده‌است، «تَسْبِیْش به حضرت امام موسی کاظم(ع) می‌رسد. وی در گروه شاعران توانای خاندان پیامبر قرار می‌گیرد که شعرش حاوی الفاضلی استوار و معانی‌ای نغز است، چنانکه در روزگار خود در رقت شعر؛ گوی سبقت ربوده. بیشتر اشعار او بنام فرمانروای معاصر خویش سید علی خان_ و در مدح و ستایش خاندان پیامبر بوده است. همچنین ایشان در شعر خویش درباره تشیع راه افراط سپرده و سروده‌هایش در مدح حضرت علی، امام حسن و امام حسین(ع)، از حدود شرع و عقل تجاوز کرده است. شایان ذکر است که شعر ایشان به کثرت استعارات، تشبیهات و رقت شعری ممتاز است» (امینی نجفی، ۱۳۶۹: ۱۸۶-۱۸۴).

اثر ارزشمند ابن معتوق دیوان اشعار او می‌باشد که اکثر ان را مدایح تشکیل داده است.

دانشگاه زنجان

۴. اصول کلاسیسیسم در مریثه زلالی و ابن معتوق شهرپور ۹۲

از آنجایی که مکتب کلاسیسیسم پیش از سایر مکاتب ادبی به وجود آمده و این دوشاعر نیز از نظر زمانی فاصله بسیاری با عصر حاضر دارند لذا برآنیم تا مهم ترین ویژگی‌های کلاسیسیسمی منعکس شده در شعر آن‌ها را بیابیم:

۱-۴) انسان شریف = برگزیدن شخصیت‌های والامقام:

«در یک اثر کلاسیک باید قهرمانانی بااخلاق و رفتار عالی، قابل قبول و ممتاز برگزیده شوند و مورد بحث قرار گیرند، نه افراد پست و بی‌عنوان جامعه» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۸).

همانطور که مسلم است قهرمان سوگ سروده این هردو شاعر هیچ فرد والامقامی نیست جز شخصیت آسمانی حضرت اباعبدالله(ع) به همراه یاران ایشان. چنانکه این شاعران با این سروده نه تنها دیوان اشعار خویش را مزین به نام ایشان کرده‌اند بلکه در ابیاتی چند، مستقیماً خود حضرت(ع) را خطاب قرار داده و اوج ارادت خویش را بیان داشته‌اند. ابیات زیر به عنوان شاهدهی است بر این موضوع:

ای سرو دین! بهشت برین کربلای توست تقدیر ایزدی خجل از خونبهای توست

(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۳)

ای شاه کربلا! جگرم تخت داغ توست خون دلم، چکیده چشم ایاغ توست

(همان: ۸۴)

يَا سَادَتِي يَا آلَ طَهِّ إِنَّ لِي دَمْعًا إِذَا يَجْرِي حَدِيثُكُمْ جَرِي

(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۶)

: ای سروران من، ای آل طه! من اشکی دارم که اگر سخن شما جاری شود، اشکم جاری می‌شود.

در شعر ابن معتوق، امام حسین(ع)، از چنان شرافت انسانی‌ای برخوردار است که به دنبال شهادتش قلّه‌های رفیع

اسلام منهدم می‌شوند:

قُتِلَ الْحُسَيْنُ فَيَا لَهَا مِنْ نَكْبَةٍ أَضْحَى لَهَا الْإِسْلَامُ مُنْهَدِمٌ الدَّرَا

(همان: ۲۱۴)

: حسین کشته شد و چه مصیبتی که از آن قلهٔ اسلام به صورت منهدم نمودار شد.

۴.۲) تقلید از قدما:

«اساس این مکتب بر تقلید از قدما و الهام از ادبیات روم و یونان باستان است. دلیل تأکید آنان بر اصل تقلید از قدما این بوده که پیشینیان راه را برای انتخاب صحیح انسان‌های بعد هموار کرده‌اند و اگر آنان آثار بی ارزشی را خلق کرده‌بودند؛ اکنون باید آن آثار به ورطهٔ فراموشی سپرده می‌شد. پس طبق دیدگاه آنان برای آنکه اثری جاودان بماند، بدون ذره‌ای شک و تردید باید از قدما تقلید کرد تا آن اثر در تاریخ، دچار مرگ زودرس نشود و بی‌مرگ بماند» (سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۸).

یکی از نمونه‌های تقلید از قدما در شعر فارسی و عربی، همین مرثیه‌سرایی است. در ادب فارسی و عربی، مرثیه و نیز مدیحه‌سرایی از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و شاعران کلاسیکی، بنابر مقتضیات زمان خود به سرودن اشعار براساس این نوع ادبی اقدام کرده‌اند. البته شکی نیست که مدیحه و مرثیهٔ مذهبی در آثار این دسته از شاعران به مراتب بیشتر از اشعار درباری آنهاست، اما باز هم به دلیل نظام پادشاهی حاکم، بیش و کم ردپای مرثیه‌ها و مدیحه‌های درباری در اشعار آنان دیده می‌شود. نگاهی گذرا به دیوان اشعار زلالی و ابن معتوق، ما را از همان ابتدا با انبوهی از اشعار مدحی روبه‌رو می‌سازد، چنانکه در تذکره‌ها در مورد زلالی خوانساری چنین آورده شده که ایشان هم در مدح و منقبت ائمه و هم در مدح و نعت شاه عباس صفوی به طبع آزمایی پرداخته و در تمام مقدمه‌های سبعه، اشعاری را تحت عنوان خطاب یا زمین بوس، به شاه عباس صفوی اختصاص داده است. همانطور که پیش از این نیز ذکر شد این رویه در مورد اشعار ابن معتوق هم صدق می‌کند (بیشتر اشعارش بنام فرمانروای معاصر خویش سید علی خان و در مدح و ستایش خاندان پیامبر(ع) بوده است). در دیوان زلالی خوانساری تعداد ۶۴ و در دیوان ابن معتوق موسوی تعداد ۴ سرودهٔ مدحی در شأن و مقام شامخ ائمهٔ اطهار(ع) وجود دارد که به اعتقاد نویسندهٔ این مختصر سرچشمهٔ الهام آن‌ها تنها به علت تقلید صرف از قدما نیست بلکه روح شیعه مسلکشان منجر به نظم کشیدن فضایل آنان شده است.

_ از دیگر جلوه‌های تقلید، قالبی است که برای سرودهٔ خود انتخاب کرده‌اند، بدین صورت که قالبی را که زلالی برای سرودهٔ خود با مضمون مرثیه انتخاب کرده ترکیب‌بند است و قالب انتخابی ابن معتوق، قصیده. چنانکه مسلم است قالب‌های اینچنینی از دیرباز وجود داشته و به هیچ وجه نو و بدیع شمرده نمی‌شوند، به طوری که همواره در کتبی با موضوع انواع ادبی از این قالب‌ها با عنوان قالب‌های کلاسیک یاد می‌شود.

۳-۴) بیان مسائل اخلاقی و مذهبی:

«کلاسیسیسم «مکتب اخلاقیون» است. از نظر آنان اثر هنری و ادبی علاوه بر آموزنده بودن، باید در خدمت «اخلاق و مذهب» نیز باشد» (سیدحسینی، ۱۳۷۱:). «نویسنده و شاعر کلاسیک در آثار خویش بنای کار را چنان نمی‌نهد که ستمکاران و پلیدان به مقصود برسند و افراد شریف دچار شکست و ناکامی شوند. در آثار خود از مسائل پست، ناروا و مغایر با اصول اخلاق و شرف انسانی به شدت ابراز بی‌زاری می‌کنند، همچنین به امور مذهبی احترام خاصی مبذول می‌دارند و خدا را در همه حال شاهد و ناظر اعمال آدمی می‌دانند. در آثار پیروان این مکتب توجه به مبانی مذهبی موجب رستگاری می‌شود و عدم توجه به مقدسات دینی؛ تیره بختی و زوال را به دنبال دارد» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۸ و ۷).

در اشعاری که زلالی و ابن معتوق در مدح و رثای ائمه اطهار سروده‌اند، یکی دیگر از مشخصه‌های کلاسیسیسمی موجود در آن‌ها که همانا بیان مسائل اخلاقی و مذهبی است معلوم می‌شود، این امر همچنین نشان‌دهنده اخلاص و شور مذهبی آنان است. در مرثیه آن‌ها روح دیانت جلوه‌ای بارز دارد.

_ سرایندگان اشعار آیینی مذهبی همواره ضمن مدایح و مراثی خود موضوع شهادت ائمه را مد نظر داشته‌اند، ائمه- ای که هیچ‌گاه به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند بلکه با دسیسه و نیرنگ دشمنانشان طعم شیرین شهادت را چشیدند. حضرت امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: «هیچ‌یک از ما به مرگ طبیعی از دنیا نمی‌رود، مگر اینکه کشته شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳). یکی از مواردی که در زمره مسائل مذهبی به شمار می‌رود و در شعر این بزرگواران نمود پیدا کرده همین موضوع شهادت است. در بیت زیر زلالی علاوه بر اشاره به آن؛ با نشان دادن واژه «خون» _ در مصراع بعدی بیت _ که همواره جزء جدایی‌ناپذیر شهادت به شمار می‌رود؛ تصویر زیبایی را در این باره خلق کرده است:

بر لوح سرنوشت شهیدان تشنه لب خون شد قلم که تا به سر سرنوشت رفت

(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۱)

شبهه همین مضمون و نیز سخن حضرت امام رضا(ع)، در این بیت از ابن معتوق هم ملاحظه می‌شود:

وَيْلٌ لِّمَنْ قَتَلُوهُ ظَمًا نَأْمًا عَلِمُوا بِأَنَّ آبَاءَهُ يَسْقِي الْكُوْثَرَا

(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۵)

: وای بر کسانی که او را تشنه کشتند، مگر نمی‌دانستند که پدرش ساقی کوثر است!

_ برای مذهب تشیع، ماه محرم ماهی است که در آن پیروزی در متن فداکاری و خون، به دست آمده است. این ماه، ماندگارترین برگ زرین تاریخ مذهب تشیع محسوب می‌شود. در مفاتیح‌الجنان درباره آن چنین آمده است: «بدان که این ماه، ماه حزن اهل بیت و شیعیان است، و از حضرت امام رضا(ع) روایت است که چون ماه محرم داخل می‌شد پدرم را کسی خندان نمی‌دید و اندوه و حزن پیوسته بر او غالب می‌شد تا روز دهم. چون روز عاشورا می‌شد آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود» (قمی، بی تا / ۱۳۹۰: ۴۹۹).

زلالی و ابن معتوق، هر دو ابیات ابتدایی مرثیه خود را با وصف هلال ماه محرم آغاز می‌کنند و با به کار بردن واژه‌هایی که همواره حزن و اندوه را تداعی می‌کند، همگان را به عزاداری فرامی‌خوانند، چنانکه زلالی با آوردن این جمله در ابتدای مصراع اول سروده خویش: «بگشای چاک سینه» مخاطبان خود را به این امر دعوت کرده و از این طریق به رسم و آیین دیرین سینه زنی اشاره نموده است:

بگشای چاک سینه که ماه محرم است این ماه نو، کلید در شهر ماتم است

(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۰)

ابن معتوق نیز علاوه بر اشاره به مضمون عزاداری‌ها در این ماه، خوانندگان خود را به ژرف نگری همراه با اندوه و ماتم دعوت می‌کند، سپس در ابیات بعدی با تصویرسازی زیبا و برقراری تناسب بین شاخه، میوه و چیدن، هلال ماه محرم را همچون شاخه خشکیده‌ای می‌داند که بار و بر آن چیزی جز اندوه نمی‌تواند باشد:

هَلَّ الْمُحْرَمُ فَاسْتَهَلَّ مُكْبِرًا وَأَنْشُرَ بِهِ دَرَّرَ الدَّمُوعَ عَلَى الثَّرَى
وَأَنْظُرُ بَعْرَتِهِ الْهَلَالَ إِذَا أَنْجَلَى مُسْتَرْجِعًا مُتَفَجِّعًا مُتَفَكِّرًا
وَأَقْطِفُ ثِمَارَ الْحُزْنِ مِنْ غُرُجُونِهِ وَأَنْحَرُ بِخَنْجَرِهِ بِمُقْلَتِكَ الْكَرَى

(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۳)

: محرم فرارسید، پس با تکبیر این ماه را آغاز کن و مرواریدهای اشک را در آن بر خاک بیفشان؛
در آغاز آن ماه هلال را بنگر هنگامی که روشن می‌شود، با گفتن ذکر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و با تأثر و تألم و تفکر.

از شاخه خشکیده آن میوه اندوه بچین و با خنجر او خواب را از چشمانت بزداي.
به جرأت می‌توان گفت مرثیه ابن معتوق، زیارت ناحیه مقدسه دیگری است که صورت شعری به خود گرفته چراکه
وی به طور آگاه یا ناخودآگاه از مفاهیم مندرج در آن سود جسته است. برای نمونه به چند بیت زیر تمثیل جسته‌ایم:

لِلَّهِ أَيُّ مُصِيبَةٍ نَزَلَتْ بِهِ بَكَتِ السَّمَاءُ لَهَا نَجِيئًا أُحْمَرًا
خَطْبٌ وَهِيَ الْإِسْلَامُ عِنْدَ وَقُوعِهِ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حِدَادَهَا أُمَّ الْقُرَى
أَوْ مَا تَرَى الْحَرَمَ الشَّرِيفَ تَكَادُ مِنْ زُفْرَاتِهِ الْجَمْرَاتُ أَنْ تَسْتَعْرَا

(همان) دانشگاه زنجان

: شگفتا، چه مصیبت بزرگی بر او نازل شده که آسمان برای آن خون گریست؛
مصیبتی که به هنگام وقوع آن اسلام ضعیف شد، و مکه (ام‌القری) لباس سوگ به تن کرد؛
ایا حرم شریف را نمی‌بینی که نزدیک است ناله های سوزناکش شعله ور شود؟
مشابه آنچه که در ابیات فوق آمده است، در زیارت ناحیه مقدسه - اشکواره امام زمان (عج) بر امام حسین (ع) - نیز
وجود دارد: «وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَ سَكَانُهَا وَ الْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ، وَ الْمَشْعُرُ الْحَرَامُ وَ الْحِلُّ وَ الْأَحْرَامُ» (واحد تحقیقات مسجد
مقدس جمکران، ۱۳۸۹: ۴۹ و ۴۸): و آسمان و ساکنانش و خانه کعبه و مقام ابراهیم (ع) و مشعرالحرام و حرم بیت... و
اطراف آن همگی در ماتمند.
ابن معتوق با ذوق و هنر شاعری خود به تصویرگری چهره به خون نشسته آن امام معصوم (ع)، همچون تابلوی نقاشی
می‌پردازد:

فَكَانَمَا أَثَرُ الدَّمَاءِ بَوَجْهِهِ شَفَقٌ عَلَى وَجْهِ الصَّبَاحِ قَدْ أَنْبَرَا

(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۵)

: گویا که اثر خون در چهره‌اش شفق است که بر چهره صبح نمایان شده است.
و در زیارت ناحیه مقدسه چنین آمده:

«السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ: سلام بر آن محاسن با خون خضاب شده» یا: «السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ:

سلام بر آنکه با خون جراحت‌هایش غسل داده شد» (واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹: ۲۶).

_ اوج ایمان و اخلاص و عظمت امام حسین (ع) و یارانش از یک سو و عمق فاجعه دردناک کربلا از سویی دیگر
موجب شد که غیر از انبیاء و اوصیا، دیگران نیز هر کدام به نوعی برای ایشان جوش و خروشی داشته باشند، چنانکه ابن
معتوق به خوبی به این مهم اشاره کرده است:

وَأَرْحَمَتَاهُ لِصَارِخَاتِ حَوْلَهُ تَبْكِي لَهْ وَلَوْجَهِهَا لَنْ تَسْتُرَا

(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۵)

: وای از این رحمت و شفقت من بر زنان ناله کننده در پیرامون او که بر او گریه می‌کنند و چهره شان را نپوشانده‌اند.

آنچه که در این باره در زیارت ناحیه مقدسه آمده چنین است: « فَلَمَّا رَأَتْ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَنَظَرْنَ سَرَجَكًا عَلَيْهِ مَلُوبِيًّا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِاطِمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُدَلَّلَاتٍ: هَمِينَكِه بَانُوَانِ حَرَمٍ، اسب تو را بلا زده دیدند و زین تو را بر آن واژگونه یافتند، از پس پردهٔ خیمه ها برآمدند در حالیکه گیسوان شان را بر چهره ها پریشان ساخته و نقاب از چهره انداخته و سیلی بر صورت هایشان می زدند و با صدای بلند گریه می کردند و ناله و فریادکنان تورا می خواندند. آنان بعد از عمری عزت، به ذلت و خواری گرفتار شده بودند» (واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹: ۴۳).

نمونه های بسیار دیگری در این باره در شعر ابن معتوق وجود دارد که جهت جلوگیری از اطالۀ کلام از ذکر آن ها در این مقال خودداری می کنیم.

پیش از این گفتیم که «کلاسی سیسم ها همواره در آثار خود از مسائل پست، ناروا و مغایر با اصول اخلاق و شرف انسانی به شدت ابراز بیزاری می کنند» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۷)، پس طبق این اصل می توان گفت که آن ها از افرادی هم که به نحوی حامل مسائل پست و ناروا هستند و گشائی از انسانیت را با خود به همراه ندارند ابراز نفرت می کنند، بیت زیر از زلالی می تواند مثال خوبی بر این ادعا باشد: **شهریور ۹۲ فارس لیرا**
لعن خدای تا به قیامت زیاد باد
بر شمر و بر زیاد و بر آل زیاد باد
(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۳)

و این معتوق نیز اینگونه تعصب و بیزاری خود را نسبت به بنیان این فاجعه ابراز می دارد؛ وی آنان را به جهت درنده خویی، دد منشی و روسیاهی به سگان سیاه تشبیه می کند:
شهرٌ بِحُكْمِ الدَّهْرِ فِيهِ تَحَكَّمَتْ **شَرُّ الْكِلَابِ السُّودِ فِي أَسَدِ الشَّرِّ**
(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۳)
: ماهی که به حکم روزگار، در آن بدترین سگان سیاه درمورد شیران حکومت کردند.

-از دیگر مسائلی که قطعاً مغایر با اصول اخلاقی و انسانیت به شمار می رود، منع آب از کودکان و افراد عادی است، حال سنجیدن میزان غیرانسانی بودن این عمل در حق فرزندان پیامبر که وجودی مبارک و روحانی دارند و در زمره افراد عادی جامعه قرار نمی گیرند؛ امریست که نه تنها در اذهان نمی گنجد بلکه قابل تصوّر هم نیست! زلالی و ابن معتوق در مرثیه خود به طرق مختلف به این نکته اشاره کرده اند که نمونه های آن در ذیل می آید:

تا از فرات، تشنه لبان باز پس شدند زمزم به اشک کعبه فرو تا کنشت رفت
هر کاسهٔ حباب که جوشیده از فرات بر روی آب، جام نگونسار کربلاست
(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۱) (همان: ۸۴)

عَجَبًا لَهُ يَشْكُو الظَّمَاءَ وَإِنَّهُ **لَوْ لَامَسَ الصَّخْرَ الْأَصَمَّ تَفَجَّرًا**
(ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۱۵)

: شگفتا که از تشنگی می نالد در حالیکه اگر او صخره سخت را لمس کند از آن چشمه جاری می شود.

وَيْلٌ لِمَنْ قَتَلُوهُ ظَمَانًا أَمَا **عَلِمُوا بِأَنَّ أَبَاهُ يَسْقِي الْكَوْثَرَا**
(همان)

وای بر کسانی که او را تشنه کشتند، مگر نمی‌دانستند که پدرش ساقی کوثر است!؟

۴-۴. قانون سه گانه وحدت:

«کلاسی‌سیسم‌ها «قانون سه گانه وحدت» را که ارسطو وضع کرده بود، کاملاً رعایت می‌کنند. این قانون بیشتر در نمایشنامه‌ها نمود پیدا کرده و شامل وحدت موضوع، وحدت زمان و وحدت مکان است؛ یعنی کلّ صحنه‌ها و پرده‌های یک نمایشنامه باید یک موضوع را در زمان و مکانی واحد و مشخص ارائه دهد» (سید حسینی، ۱۳۷۱: ۱۰۹-۹۷).

در مورد **وحدت موضوع** چنین گفته‌اند که: «منظور از وحدت موضوع یا وحدت عمل، همان وحدت کنش یا وحدت انفعال است که باید در اثر به صورت کامل وجود داشته باشد. اثر ادبی باید از اجزایی تشکیل شود که اگر این اجزا جابه‌جا یا حذف شوند، ساختار کلی آن به هم نخورد. یکی از مهم‌ترین راه‌های جذب مخاطب این است که ذهن وی را آن‌گونه به خود مشغول کنیم که وی از کوچکترین غفلت در طول ارائه اثر به دور باشد. اگر در بیان یک موضوع آنقدر وارد جزئیات شویم که خواننده از اصل مطلب فاصله بگیرد، به بیراهه رفته‌ایم. ذکر جزئیات در طول اثر باید در خدمت اصل موضوع باشد. چنین اصلی در مکتب کلاسیسیسم به «وحدت موضوع» معروف است و اهمیت فراوانی دارد» (حسن زاده میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۵۷).

در مورد مرثیه‌های انتخابی این مقاله باید گفت که اشعاری مناسبی به شمار می‌آیند و سروده‌های مناسبی هم به کلی در خدمت یک موضوع هستند، که موضوع محوری این اشعار ذکر وقایع عاشورا و رثای حضرت امام حسین (ع) است. با وجود آنکه تقریباً هر بیت این دو مرثیه، به ذکر مسئله‌ای مستقل می‌پردازد، اما جابه‌جایی آن‌ها در طول شعر و حتی حذف آن‌ها ضربه مهلکی به کلّ قصیده ابن معتوق یا ترکیب‌بند زلالی وارد نمی‌سازد. به این قسمت از ترکیب‌بند زلالی که از خانه سوم آن انتخاب شده است توجه کنیم:

| | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| هر شرع را که محکمه این قضا دهند | اقلیم کفر و کشور دین سرنگون شود |
| در شرح این جفا که ستم معنی‌اش بود | دریای علم در رگ اندیشه خون شود |
| صد جای تا به گردن از این بار بشکند | پشت فلک اگر کمر بیستون شود |
| ماتم کلاه گوشه مه بر زمین زند | تا پوستین مهر به تن واژگون شود... |

(زلالی، ۱۳۸۴: ۸۲)

همان‌طور که مشاهده می‌شود زلالی، **وحدت موضوع** را به تمام معنا رعایت کرده است، چراکه تمام ابیات حول این موضوع می‌گردد: وصف حالت تحیر و سرگشتگی آن دسته از عناصر انتزاعی و عینی که همواره نماد بزرگی، وسعت و قدرت هستند. شاعر در این ابیات بر مفهوم یکسانی تأکید می‌ورزد و بر آن است که نهایت سنگینی و غیر قابل هضم بودن تراژدی کربلا را بیان دارد، چنانکه به عنوان مثال می‌کوشد تشریح چنین ستم و ظلم بزرگی را به دریای بیکران علم و دانش بسپارد، ولی بلافاصله اعتراف می‌کند که زبان و بیان فصیح علم نیز در تفسیر آن قاصر و ناتوان است یا اینکه برای فلک، کمبری از جنس سنگ و سنگی به سختی و استحکام کوه در نظر می‌گیرد، اما سرانجام می‌بیند حتی این کمر مقاوم نیز تحمل چنین جفایی را ندارد. این ناتوانی، ناشکیبایی، تحیر، عدم تحمل و مفاهیمی از این دست تنها به قضاوت شرع، دریای علم و پشت فلک محدود نمی‌شود بلکه انبیا و اولیا را نیز در بر می‌گیرد:

خاصان انبیا را با جمله انبیا شرمندگی زعذر شفاعت فزون شود

(همان)

وحدت موضوع همچنين در قصیده ابن معتوق به خوبی نمايان است، ابیات زیر به خوبی این انسجام را نشان می‌دهد:

| | |
|--|--|
| لَهْفِي عَلَى ذَاكَ الذَّبِيحِ مِنَ الْقَفَا | ظُلْمًا وَ ظَلًّا ثَلَاثَةً لَنْ يُقْبَرَا |
| مُلْفَى عَلَى وَجْهِ التُّرَابِ تَطْنُنُهُ | دَاوَدَ فِي الْمِحْرَابِ حَيْنَ تَسْوَرَا |
| لَهْفِي عَلَى الْعَارِي السَّلِيْبِ ثِيَابُهُ | فَكَانَهُ ذُو النُّونِ يُنْبَذُ بِالْعَرَا |
| لَهْفِي عَلَى الْهَوَايِ الصَّرِيْعِ كَأَنَّهُ | قَمَرٌ هَوَى مِنْ أَوْجِهٍ فَتَكْوَرَا |
| لَهْفِي عَلَى تِلْكَ الْبِنَانِ تَقَطَّعَتْ | لَوْ أَنَّهَا اتَّصَلَتْ لَكَانَتْ أُبْحَرَا |
| لَهْفِي عَلَى الْعَبَّاسِ وَ هُوَ مُجَنْدَلٌ | عَرَضَتْ مَنِيئَتُهُ لَهُ فَتَعَثَّرَا |

(ابن معتوق، ۱۸۸۵ : ۲۱۵ و ۲۱۴)

: افسوس من بر آن کشته‌ایست که از پشت ظالمانه کشته شده است و سه روز است که دفن نشده است.

بر خاک افتاده‌است که گویا داوود(ع) است در محراب، هنگامی که از دیوار بالا رفت.

اندوه من بر عریان به صلیب کشیده شده‌ای است که گویا ماهی است که بر صحرای خشک افتاده است.

اندوهم برای بر خاک افتاده ای است که گویی ماه تابانی است که از اوجش افتاده و افول کرده است.

بر آن انگشتانی تأسف می‌خورم که بریده شده و اگر متصل می‌بود دریایی از بخشندگی بود؛

بر عباس تأسف می‌خورم که او بر زمین افتاده است و مرگش پدیدار شد و بر زمین افتاد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاعر در این ابیات به توصیف شهیدان واقعه عاشورا در قالب شعر پرداخته و

موضوع محوری، مسئله شهادت است.

وحدت مکان که در این دو سروده وجود دارد همان صحنه کربلا و **وحدت زمان** نیز اشاره به روز عاشورا و تداعی

اتفاقات آن روز است.

۵. نتیجه‌گیری:

قسمت اعظم دیوان ابن معتوق و زلالی را مدح تشکیل داده است و در میان انبوه سروده‌های آن‌ها تنها یک سروده در رثای حضرت اباعبدا... (ع) به چشم می‌خورد. در این مختصر سعی شد تا به واکاوی و کشف رگه‌های کلاسیسیسمی موجود در مرثیه آن‌ها پرداخته شود که در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که در سروده ابن معتوق و زلالی، اصول و ویژگی‌های مهم مکتب کلاسیسیسم همچون قانون سه‌گانه وحدت، تقلید از قدما، برگزیدن شخصیت‌های والامقام و بیان مسائل اخلاقی و مذهبی نمایان است با این تفاوت که ابن معتوق همین اصول را مزین به متون دینی کرده اما زلالی به تلمیحات و وقایع تاریخی توجه نموده‌است.

فهرست منابع

- _ آل بویه لنگرودی، عبدالعلی و فریبا مدبری. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی رمانتیسم در اشعار نادر نادرپور و ابوالقاسم شاتبی*. در فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی). شماره سوم. سال دوم. پاییز.
- _ ابن معنوق موسوی، شهاب الدین. (۱۸۸۵). *دیوان اشعار*. به تصحیح سعید شرتونی. بی جا: المطبعة الادبیه.
- _ امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۵). *حکیم زلالی خوانساری*. در نشریهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره نوزدهم. دوره جدید. بهار.
- _ امین مقدسی، ابوالحسن. (۱۳۸۳). *مدح اهل بیت (ع) از منظر ابن معنوق*. در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره چهارم. دوره ۵۵ و ۵۴. زمستان ۹۲.
- _ بخشی، یوسف. (۱۳۳۶). *تذکرهٔ شعرای خوانسار*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی میرپور.
- _ ثروت، منصور. (۱۳۸۳). *مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم*. در فصلنامهٔ شناخت. شماره ۳۳. بهار. ص ۳.
- _ حبیبی درج، فاطمه. (۱۳۹۰). *مضامین شعری ابن معنوق*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- _ حسن زاده میرعلی، عبدالله و لیلیا شامانی. (۱۳۸۹). *بررسی نئوکلاسیسیسم و تأثیر آن بر شعر دورهٔ مشروطه*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
- _ زلالی خوانساری، ؟. (۱۳۸۴). *کلیات زلالی خوانساری*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _ سکرتان، دمینگ. (بی تا. ۱۳۸۰). *کلاسیسیسم*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- Cuddon، J.A. *A dictionary of literary term-*
(۱۳۷۷). همدان: انتشارات فن آوران.
- _ سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۱). *مکتب های ادبی*. تهران: نگاه. ج ۱.
- _ صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*. (ج ۵)، بخش دوم. تهران: همکلاسی.
- _ علامه امینی نجفی، عبدالحسین. (بی تا/ ۱۳۶۹). *الغدیر*. (ج ۲۲). ترجمه جلیل تجلیل. بی جا: بنیاد بعثت.
- _ فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- _ قمی، شیخ عباس. (بی تا/ ۱۳۹۰). *مفاتیح الجنان*. ترجمه الهی قمشاهی. قم: آیین دانش.
- _ لطف، یوسف. (بی تا). *بررسی مقایسه‌ای مرثیهٔ امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی*. در فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات تطبیقی. شماره یازدهم. سال سوم.
- _ مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. (ج ۲۷). بیروت: مؤسسه الوفاء.

_ معین‌الدینی، فاطمه. (۱۳۹۱). *جلوه‌های رمانتیسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی*. در پژوهشنامه ادب
غنایی. شماره هجدهم. سال دهم. بهار و تابستان.
_ واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران. (۱۳۸۹). *زیارت ناحیه مقدسه - اشکواره امام زمان بر امام
حسین(ع) - قم: مسجد مقدس جمکران.*

